

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۹

## چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی

رضا کرمی<sup>۱</sup>

محمدجواد علیزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

کشور «جمهوری اسلامی ایران» به لحاظ جایگاه بی بدیل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به ویژه در سطح پیرامونی دارا است. مسئله مهمی که در این مقاله به آن پرداخته شده، چالش‌هایی است که در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی وجود دارد که تلاش شده با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی تشریح شود. یافته‌های تحقیق که بر اساس استنباط کیفی و رویکرد اقتباسی - استنتاجی حاصل شده، نشان می‌دهد ج.ا.ایران در یک محیط امنیتی پیچیده قرار دارد، از این‌رو کمک به شکل‌گیری دولت‌های قدرتمند و توانمند برای مدیریت منازعات و بی‌ثباتی‌های درونی، افزایش همکاری و مشارکت بین دولت‌های منطقه و شفاف‌سازی و تبادل اطلاعات و همچنین محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام امنیتی منطقه به منظور کمک به ایجاد نظام امنیتی بومی، می‌تواند به بهبود امنیت منطقه منجر شود.

**کلیدواژه‌ها:** محیط امنیتی، چالش‌ها، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌های امنیتی پیرامونی.

۱. استادیار امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی [Rkarami1002@yahoo.com](mailto:Rkarami1002@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) [M.j.alizadeh2000@gmail.com](mailto:M.j.alizadeh2000@gmail.com)

در مطالعات امنیت ملی، محیط امنیتی<sup>۱</sup> با شرایط و مختصات خاص خود یکی از عناصر کلیدی و مؤلفه‌های تجمعی در شناسائی دیگر مسائل امنیتی محسوب شده و شناخت و کسب برآورد کامل از ابعاد و زوایای آن سهم بزرگی در روند تجزیه و تحلیل وقایع و اشراف بر رخدادهای متنوع و با ارزش مکانی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی یا ارزش توزیعی در سطح فرد، نهاد و جامعه و دولت ایفا می‌کند. در وصف امنیتی، محیط، فضائی است که در آن بازیگران می‌توانند نیازهای امنیتی خود را تشخیص داده و با استفاده از قابلیت‌های موجود در محیط، دسته‌بندی و امکان پیگیری آن‌ها را تا رسیدن به هدف فراهم نمایند. محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فعالیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی و ارزش‌ها، مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم یا بی‌نظمی جهانی، فناوری، مسابقه‌ی تسلیحاتی و موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. چنین محیط امنیتی همواره حامل «تهدیدات<sup>۲</sup>» و «فرصت‌ها<sup>۳</sup>» است که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلتشان از آن نصیب می‌برند (مینایی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). موقعیت خاص کشور جمهوری اسلامی ایران در مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به آسیا و خاور دور وصل می‌کند به طوری که از قدیم‌الایام چهار راه تمدن‌ها محسوب گردیده و از نظر موقعیت دریایی و زمینی موقعیت فوق‌العاده‌ای دارد و بر همین اساس از محیط امنیتی ویژه‌ای برخوردار است.

#### بیان مسئله

پیدجیدگی و واگرایی نسبی در محیط امنیتی ایران، به شکلی است که ج.ا.ایران را در یک فرآیند سعی و خطا قرار داده و تعامل با کشورهای واقع در این محیط را تا حدودی مشکل ساخته است زیرا ارزیابی تحولات منطقه‌ای غرب آسیا از رویکرد امنیت ملی، بیانگر شکل‌گیری یا گسترش کانون‌های تنش‌زا و تهدیدکننده و آماج عملیات روانی از راه‌های زیر است:

۱- گسترش «ایران هراسی» و انعقاد پیمان‌های برون سیستمی یا چندجانبه میان آمریکا و ناتو با برخی از کشورهای منطقه.

1. Security environment
2. Threats
3. Opportunities

۲- جهت‌گیری دیپلماسی عمومی و جنگ روانی آمریکا مبنی بر ارتباط دهی میان بی‌ثباتی منطقه و جمهوری اسلامی ایران.

۳- افزایش تنش‌های امنیتی نشأت‌گرفته از تهدیدات نیمه سخت در محیط پیرامونی.

از این‌رو به نظر می‌رسد که محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه امنیتی پیرامونی، ماهیتی پیچیده و متنوع داشته و واجد چالش‌های خاصی است، بر این اساس، مسئله مهم این پژوهش آن است که تهدیدات و فرصت‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی بررسی و تشریح گردد، زیرا این اقدام می‌تواند موضوع مهمی برای تصمیم‌گیرندگان باشد تا با شناخت و اشراف بر این چالش‌ها، نسبت به اتخاذ تصمیمات راهبردی و کاربردی که تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی کشور و بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها باشد، اقدام نمایند.

#### اهمیت و ضرورت تحقیق

برخی اندیشمندان، دلایل و توجیهاتی برای بیان اهمیت شناخت محیط امنیتی بیان نموده‌اند. از جمله این دلایل شناسایی بازیگران اصلی، ذی‌نفوذ و حاشیه‌ای در محیط؛ شناسایی نیت بازیگران بر اساس اهداف و آرمان‌های مورد تعقیب؛ قابلیت‌های مؤثر و توانایی‌ها و امکاناتی که در محیط می‌توانند بر تصمیم‌سازی و روند برخاسته از آن تأثیر مثبت نهاده و اهداف را به پیش ببرند، آسیب‌پذیری‌ها و تنگناهایی که در محیط رشد یافته و بر تصمیمات آثار سوء و جانبی داشته و مانع پیش‌بینی صحیح نتایج و اهداف از پیش تعیین شده می‌شوند و تهدیدات موجود در محیط را که سبب بروز تعارض در منافع و اهداف بازیگران و استهلاک قابلیت‌ها و بروز زمینه‌های رویارویی و بحران‌خیزی می‌گردد را شفاف کند اشاره نمود.

همچنین در بعد تهدید شناسی، تهدیدات امنیتی به محیط امنیتی بستگی دارد و ارائه هر نظریه در زمینه امنیت کشور، ناشی از داده‌هایی است که نظام سیاسی از محیط خارجی و داخلی دریافت می‌کند. بنابراین شناخت و مطالعه محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به منظور شناخت بازیگران، مؤلفه‌های قدرت و همچنین چالش‌های موجود (فرصت و تهدید) در راستای استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات و همچنین ارتقای امنیت پیرامونی و داخلی، امری مهم به شمار می‌آید. ضرورت اجرای این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که چنانچه نسبت به مطالعه و بررسی چالش‌های محیط امنیتی پیرامونی اقدام علمی صورت نگیرد، روند

تأمین و ارتقای امنیت پیرامونی و داخلی و در نهایت امنیت جمهوری اسلامی ایران، با خدشه مواجه شده و نه تنها امکان بهره برداری از فرصت‌ها فراهم نمی‌شود، بلکه ممکن است تهدیدات موجود، اشکال پیچیده و تازه‌تری به خود گرفته و موجب کاهش امنیت جمهوری اسلامی ایران گردند.

### سوال اصلی

محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی واجد چه تهدیدها و فرصتهایی است؟

### فرضیه اصلی

محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی دارای ماهیتی پیچیده بوده و از تهدیدات و فرصت‌های امنیتی متنوع و متعددی برخوردار است.

### نوع و روش تحقیق و تحلیل داده‌ها

این تحقیق از نوع نظری است و برای تهیه آن به شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای مطالب گردآوری شده و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است، از این رو با نگرش به نوع روش انتخاب شده، جامعه آماری و حجم نمونه نیاز نداشته است، ضمناً برای تحلیل داده‌ها، به علت نداشتن جامعه آماری و نمونه، از روش تحلیل استنباطی کیفی با رویکرد اقتباسی - استنتاجی استفاده شده است.

### مفاهیم و اصطلاحات

### محیط امنیتی

محیطی است که از حیث محتوایی تلفیقی و از ابعاد متعددی که در چهار جهت قابلیت دارد تشکیل شده است:

- ۱- محیط ایدئولوژیک در بر دارنده آموزه‌های اعتقادی مؤثر بازیگر در سیاست و عمل امنیتی؛
- ۲- محیط مجازی (ذهنی) از رهگذر بازتعریف ایده آل‌های ذهنی حسب شرایط و مقتضیات زمانی در قالب طرح‌های بلند مدت شکل می‌گیرند؛
- ۳- محیط تاریخی که تجلی خواسته‌های عملیاتی شده بازیگر در چشم انداز تاریخ است و به عنوان کانون قدرت فعالی برای اجرای سیاست‌های جدید بازیگران مورد بهره برداری قرار می‌گیرد؛

۴- محیط فیزیکی (عینی) که مشتمل بر ابعاد سخت افزاری بازیگر (از قبیل جغرافیا، جمعیت، منابع طبیعی و ...) است (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۲).

### مجموعه امنیتی پیرامونی

مجموعه‌ای متشکل از چند بازیگر امنیتی‌ساز همسایه است. گفتنی است سرزمین پایه بودن و پیوستگی سرزمینی بین تمام بازیگران امری ضروری است. در این نوع مجموعه‌ها، یک یا چند عامل خارجی امنیتی در میان چند بازیگر امنیتی‌ساز همسایه و دارای مرزهای جغرافیایی مشترک ایجاد پیوستگی کرده‌اند. عوامل خارجی امنیتی در مجموعه امنیتی پیرامونی به‌طور عمده داخل کشورهای عضو هستند که میان اعضا به صورت یک مسئله یا معضل مشترک شکل گرفته یا اعضا در فرآیند امنیتی ساختن و غیر امنیتی ساختن آن نقش دارند مانند محیط امنیتی پیرامونی بین ایران، ترکیه، عراق و سوریه بر سر کردها یا مجموعه امنیتی پیرامونی بین ایران، پاکستان و افغانستان پیرامون مواد مخدر و تروریسم (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۸: ۸۹).

### چالش‌های مجموعه امنیتی

به مجموعه اقدامات، کنش‌ها یا وضعیت‌ها و پدیده‌هایی که زیان عمومی یا ترکیبی از سود و زیان را در سطح مجموعه امنیتی تولید نماید و نسبت مورد قبولی با امنیت داشته باشد، چالش‌های مجموعه امنیتی گفته می‌شود (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۰).

### موقعیت امنیتی ج.ا.ایران

جمهوری اسلامی ایران به دلیل شکل‌گیری محیط امنیتی پیرامونی‌اش از مجموعه امنیتی غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای میانه و مجموعه امنیتی شرق، با مخاطرات، چالش‌ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبه‌روست. غرب آسیا یکی از مناطق استثنایی به شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه نشانه جدی از استقرار نظام امنیتی در آن و محیط پیرامونی ایران به چشم نمی‌خورد. عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در غرب آسیا با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله، موقعیت ژئوپلیتیک غرب آسیا و منابع عظیم نفت و گاز در آن و در نتیجه، تقویت حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی، فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و بی‌اعتمادی بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر حائز اهمیت است. در حال حاضر تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی پیچیده و

تنگانگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، چالشی اساسی‌تر است که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت - ملت سازی باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، نبود دموکراسی و نهادهای مدنی همراه اقتصاد ضعیف در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران شده است. از سوی دیگر مناطقی که در قالب مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌توانند تعریف و مشخص شوند، واجد برخی چالش‌های خاص هستند. چالش مجموعه‌های امنیتی به مجموعه اقدامات، کنش‌ها یا وضعیت‌ها و پدیده‌هایی که زیان عمومی یا ترکیبی از سود و زیان را در سطح مجموعه امنیتی تولید نماید و نسبت مورد قبولی با امنیت داشته باشد، گفته می‌شود. از این رو چالش‌هایی که مربوط به یک کشور واحد هستند و از قابلیت تسری یا تأثیرات درون مجموعه‌ای برخوردار نباشند چالش‌های امنیتی نامیده نمی‌شوند. خصلت عمومی بودن یکی از معیارهای شناخت چالش‌های امنیتی است. یعنی به صورت یک پدیده یا وضعیتی ظاهر شود که حکم یک کالای عمومی را داشته باشد یعنی نتوان دیگران را از درگیر شدن با آن محروم کرد و در مجموعه امنیتی دارای تأثیر مثبت و منفی باشد. امنیتی شدن چالش‌ها تابع منطق امنیتی ساختن است. بر این اساس وقتی یک چالش، امنیتی تلقی می‌شود که به عنوان تهدیدی برای بقای یک هدف مرجع که ادعا می‌شود حق بقا دارد مطرح باشد.

در این تحقیق مفهوم محیط و محیط امنیتی از منظر برخی اندیشمندان بیان شده و برخی دیدگاه‌های موجود در تعیین قلمرو محیط امنیتی مطرح و در ادامه چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی بیان می‌شود.

#### اصول و ویژگی‌های محیط امنیتی

محیط امنیتی همواره حامل تهدیدها و فرصت‌هایی است که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلت خود از آن‌ها نصیب می‌برند. برآیند تهدیدها و فرصت‌ها می‌تواند به سه شکل برآیند صفر، برآیند با تفوق تهدیدها، برآیند با تفوق فرصت‌ها باشد که هر یک نتایج و تأثیرات تعیین کننده‌ای بر وضعیت، خط‌مشی، رهیافت و راهبرد امنیت ملی یک کشور دارند. محیط

امنیتی متأثر از متغیرهایی است که در نظام بین‌المللی وارد می‌شوند. محیط امنیتی مبتنی بر تنوع هویت‌های ادراکی، دارای تعابیر و مضامین متفاوتی در میان اهل فن و صاحب نظران علوم امنیتی است (عصاریان‌زاد و ترقی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، محیط امنیتی که بر اساس نیازهای امنیتی واحد سیاسی شکل می‌گیرد، باید واجد شرایط زیر باشد :

- ۱- تقویت کننده منافع و اهداف بلند مدت؛
- ۲- آینده نگر و در راستای حیات و بقای ملی؛
- ۳- واجد رویکردهای توسعه و نفوذ؛
- ۴- مایل به ارتباط و توسعه قدرت برون گرا؛
- ۵- اصالت بخشیدن به رفتارهای نرم برای یکسان سازی و پیرو انگاری (هوادار سازی ایدئولوژیک) (همان).

با بهره‌گیری از نظریه‌ها و ایده پردازی‌های صاحب نظران امنیتی و سیاسی، اصول و ویژگی‌های حاکم بر محیط امنیتی را می‌توان مشخص کرد، بر اساس نظرات ارائه شده از سوی کالینز در کتاب استراتژی بزرگ، می‌توان به موقعیت جغرافیایی (شرایط و فضا)؛ منافع ملی، اهداف و سیاست‌های بازیگران؛ شناخت بازیگران؛ شناخت تهدیدات (تهدید شناسی) و توانمندی و قابلیت‌ها (قدرت شناسی) اشاره نمود (حسینی تاش و شعبانی، ۱۳۸۷: ۴۴).

#### حفاظت از محیط امنیتی

یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها که در تدوین و شناخت محیط امنیتی برای هر کشور به ذهن تصمیم‌گیران و تنظیم‌کنندگان رهنامه و راهبردهای آن کشور خطور می‌کند این است که موضوع مورد حفاظت در محیط امنیتی و شیوه حفاظت و دفاع از آن چیست؟ پاسخ به این سؤال برای بیشتر کشورها آسان نیست زیرا بازیگران متعددی در محیط امنیتی نقش آفرینی می‌کنند و انبوهی از اطلاعات خام وجود دارد که باید مورد بهره برداری قرار گیرد. در نتیجه درک این‌که در محیط امنیتی چه منافع و راهبردهایی می‌باید گام به گام دنبال گردد از اهداف مهم بشمار می‌رود:

#### گام اول: تمرکز روی نیازهای اساسی

در محیط امنیتی رهنامه و راهبردهای طراحی شده برای حفاظت از آن، لازم است ابتدا نیازهای اساسی در محیط اطراف خود را مورد توجه قرار داده و بر آن تمرکز نماید. یکی از

نیازهای اساسی در محیط امنیتی، موضوع منافع است که در سه سطح منافع ملی، منافع منطقه‌ای و منافع بین‌المللی باید مشخص و دنبال شود.

### گام دوم: تعیین راهبرد دفاعی در محیط امنیتی

با توجه به اینکه این امکان وجود دارد تا در فضای مجازی، محیط امنیتی را مهندسی نمود و آن را لایه‌بندی کرد، از مزیت‌های این کار، تولید قابلیت برای بازیگران برای مدیریت محیط امنیتی و عناصر اساسی در محیط امنیتی است. بر این اساس، امکان حفاظت از منافع که از عناصر اساسی در محیط امنیتی است یا به تعبیری واژه حفاظت از محیط امنیتی هویت می‌یابد. راهبردهای دفاعی در محیط امنیتی متأثر از کاربست شیوه‌های «دفاع در عمق<sup>۱</sup>» و «دفاع لایه‌ای<sup>۲</sup>» است که شیوه دوم مناسب‌ترین راهبرد دفاعی در محیط به نظر می‌رسد. در روش دفاع لایه‌ای، برای حفاظت از محیط امنیتی، راهبردهای دفاعی لایه بندی می‌گردد تا این امکان ایجاد شود که تصمیم‌گیرندگان یک کشور با درک مفهومی حوزه عملکردی خود در محیط، ظرفیت ساختار بندی و ایجاد سازه برای حفاظت از محیط امنیتی را پیدا نماید (عصاریان‌نژاد و نادی، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

### تعیین قلمرو محیط امنیتی

به منظور تعیین قلمرو محیط‌های امنیتی کشورها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و روش‌های متعدد و متفاوتی وجود دارد. یکی از روش‌ها برای تعیین حدود محیط‌های امنیتی، پیوند دادن آن با بازیگران امنیتی ساز است. در این چارچوب سؤال اساسی این است که محیط امنیتی کشور «الف» کدام است؟ در روش دیگر، موضوع منطقه‌گرایی می‌تواند عاملی برای تعیین قلمرو محیط امنیتی باشد، برخی صاحب‌نظران برای منطقه‌گرایی پنج عامل منطقه‌ای شدن، هویت و آگاهی منطقه‌ای، همکاری در سطوح فروملی منطقه‌ای، تعامل و همکاری منطقه‌ای فزاینده به گونه دولت‌محور و انسجام منطقه‌ای را برمی‌شمارند.

همچنین می‌توان بر حسب گستره و اندازه منطقه، روند منطقه‌گرایی را در چهار نوع مشخص منطقه‌گرایی کلان<sup>۳</sup> که نمونه‌ی بارز آن اپک است؛ منطقه‌گرایی بزرگ<sup>۴</sup> که اتحادیه‌ی

1. Defense in depth
2. Layered defense
3. mega regionalism
4. macro regionalism

اروپا مصداق خوبی برای آن است؛ منطقه‌گرایی میانه<sup>۱</sup> که اتحادیه جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود و سرانجام منطقه‌گرایی خرد<sup>۲</sup> دسته‌بندی کرد. این چهار الگوی منطقه‌گرایی خود بر هشت شاخص شمار بازیگران؛ رهبری؛ سطح توسعه‌ی اقتصادی؛ نوع مناسبات بازیگران (از نظر افقی یا عمودی بودن همکاری‌ها)؛ هویت فرهنگی؛ سطح منطقه‌ای شدن یا میزان همگرایی؛ نوع مناسبات بازیگران (از نظر رسمی یا نهادینه بودن همکاری‌ها) و ایدئولوژی استوار است (عسگری، ۱۳۸۲: ۵۴).

عوامل متعددی ترسیم کننده محیط امنیتی یک کشور هستند، اما درک عامل محوری باعث تعیین ابعاد و حدود و ثغور محیط امنیتی و امکان تفسیر آن و چگونگی بازیگری در این محیط را روشن می‌سازد. به عبارت دیگر برای اینکه کشورها قابلیت‌ها، تهدیدات و آسیب‌های خود را در محیط امنیتی مدیریت نمایند، نیاز به تعریف مشخصی از عامل محوری و سیاستگذاری‌های مبتنی بر آن دارند. موضوع نفت و گاز عامل محوری در محیط امنیتی ایران به ویژه در رابطه با همسایگان و سایر بازیگران فرامنطقه‌ای است و درک واقعی از جایگاه نفت و سیاستگذاری‌های اقتصادی، دفاعی، سیاسی با محوریت این ماده با ارزش ابعاد محیط امنیتی ایران را مشخص می‌سازد. عامل محوری یک امر ثابتی نیست و ممکن است بر اساس شرایط متغیر باشد. عامل محوری از موقعیت جغرافیایی گرفته تا دسترسی به انرژی و منابع یا عوامل فرهنگی و زبانی متغیر است. کشورها عموماً در راهبرد امنیتی خود در محیط امنیتی به عامل محوری توجه دارند. عامل محوری تعیین کننده و مشخص کننده بازیگران حاضر در محیط امنیتی است، بازیگران محیط می‌تواند شامل حکومت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملیتی، نهضت‌های محلی و حتی افراد باشند. عامل محوری همچنین مشخص کننده تهدیدات بوده به طوری که سنجش تهدید ارتباط مستقیمی با توانمندی هر بازیگر دارد. از سوی دیگر عامل محوری، شاخص مهمی برای درک فرصت‌ها بوده و می‌تواند ظرفیت بازیگری و اثر گذاری در محیط را تعیین نماید (عصاریان‌زاد و نادی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). از آنجایی که عامل محوری در تعیین محیط امنیتی هر کشور مهم تلقی می‌شود، عواملی همچون انرژی (نفت و گاز)، اسلام‌گرایی ناب محمدی (ص)، تولید گفتمان ضد نظام سلطه و حمایت از مقاومت اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی می‌تواند جز عوامل محوری تعیین کننده محیط

1. meso regionalism  
2. meso regionalism

امنیتی جمهوری اسلامی ایران تلقی و محسوب گردد. به علاوه از منظر مجموعه‌های امنیتی با توجه به اینکه محیط‌های امنیتی بازیگران متفاوت می‌تواند متفاوت باشد می‌توان محیط‌های امنیتی<sup>۱</sup> را به سه مجموعه ابرمجموعه‌های امنیتی، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و مجموعه‌های امنیتی پیرامونی تقسیم‌بندی کرد (گروه مطالعات و تحقیقات راهبردی، ۱۳۸۸: ۸۸).

#### محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی

کشور جمهوری اسلامی ایران، به واسطه موقعیت راهبردی و واقع شدن در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان، دارای سهم بالقوه‌ای از فرصت‌ها و مزیت‌ها همراه تهدیدات و محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر و غیر ارادی است. به عنوان نمونه، جمهوری اسلامی ایران در محاصره و مجاورت مناطق بحران خیز و مستعد تشنج جهان نظیر آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و غرب آسیا قرار گرفته است که هر یک تأثیر خاص خود را در محیط امنیتی ایران خواهد داشت به طوری که هر یک از مناطق یاد شده عرصه‌ی تقابل قدرت‌های جهانی بوده و وضعیتی خاص و اجباری را برای محیط امنیتی ما ایجاد نموده است (مینایی، ۱۳۸۲: ۱۰۷). بر اساس نظریه مجموعه‌های امنیتی، چهار محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان منطقه غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و مجموعه امنیتی شرق (از جمله افغانستان و پاکستان) در نظر گرفت. در هر یک از مناطق مسائل و مشکلات امنیتی متعددی وجود دارد که محیط تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (زندی، ۱۳۸۷: ۱۵) با عنایت به نظریه مجموعه‌های امنیتی، محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به شرح زیر دسته بندی شود:

#### مجموعه امنیتی غرب آسیا

منطقه غرب آسیا با چند مشکل کلیدی مواجه است: اصلاحات سیاسی، مشکلات اقتصادی و مسائل جمعیتی و دموگرافی منطقه، مناسبات مدنی - نظامی، معضل جانشینی، بحث انرژی و فناوری هسته‌ای و موشکی. این مشکلات و مسائل ساختار منطقه را به گونه‌ای شکل داده است که هم امکان نفوذپذیری و هم سرسختی و مقاومت هویتی را در مقابل غرب در پی داشته است. سه عامل مهم باعث پیدایش مسائل مهم و بارز غرب آسیا شده است. عامل اول شکل نگرفتن نظام دولت - ملت یا حتی منطق دولت محوری در بین کشورهای منطقه است. عامل

1. Complex Security

دوم بحث امپریالیسم است که منطقه را به شکل صوری و غیر واقعی دسته بندی و جو ناآرام و امنیتی را بین کشورهای مختلف فراهم کرده است. عامل سوم به بحث وابستگی اقتصادی این کشورها به نفت و در نتیجه وابستگی به بازارهای مصرف غرب باز می‌گردد. (زندى، همان: ۱۶) نگاه دیگری به مجموعه کشورهای اردن، فلسطین اشغالی، سوریه و لبنان تحت عنوان مجموعه امنیتی شامات وجود دارد. این کشورها، جملگی در حاشیه شرقی دریای مدیترانه قرار دارند. این مجموعه متشکل از چهار کشور عربی است. عناصر عربیسم و ایدئولوژی اسلامی دو عنصر کلیدی مرتبط کننده این کشورها به یکدیگر است. در این مجموعه فلسطین اشغالی از وضعیت ویژه‌ای برخوردار است. این کشورها، در معرض یک نیاز مشترک برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار دارند. البته نظام سیاسی و ساختار حکومتی کشور اردن تا حدودی با سایرین متفاوت بوده و دارای رویکردی متمایل به نظام‌های سیاسی غربی است. در کنار این کشور، سوریه و لبنان به لحاظ اهداف و مقاصد سیاسی منطقه‌ای به یکدیگر متمایل تر بوده و از تشابه بیشتری برخوردارند. در مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامات، هر چهار کشور با بحران داخلی مواجه‌اند و به نحوی در معرض درگیری با گروه‌های مخالف قرار دارند و از این رو فرآیند حفظ امنیت و منافع ملی برای آنها محسوس و اساسی است. ارتباط ایران با این مجموعه بیشتر از آن جهت حائز اهمیت است که حضور عنصر فلسطینی تعریف جدیدی از «مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامات» به دست می‌دهد و برای ج.ا.ایران از بار ارزشی نیز برخوردار است. راهبرد اتحاد متقابل ایران با سوریه و لبنان، اهرم‌های قدرتمندی را در اختیار ایران قرار خواهد داد که می‌تواند مرکزیت و رهبریت مجموعه را به دنبال داشته باشد. (شاه کرمی، ۱۳۸۸) در کتاب استراتژی آمریکا در قرن ۲۱ آمده که خاور نزدیک بزرگ که شامل جهان عرب، اسرائیل، ترکیه، آسیای میانه و قفقاز می‌شود کانون بزرگ‌ترین منبع سوخت فسیلی و نیز قدرت‌های جاه‌طلب زیادی است که برای به دست آوردن برتری منطقه‌ای تلاش می‌کنند. این منطقه سرزمینی است که ایالات متحده در آن هم‌پیمانان کلیدی و منافع مهمی دارد و نیز جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در آن در حال گسترش است. از دیدگاه غرب این منطقه اهمیت فراوانی دارد و در عین حال دچار مشکلات بسیاری نیز هست. این منطقه با آسیب‌های فراوان و گوناگونی مواجه است. نظام‌های خودکامه زیادی وجود دارند و در بسیاری از کشورها، مردم سالاری نهادینه نشده است. این منطقه همچنین محل اسلام مسلح و سیاسی تندرو نیز هست که اگر آن را برای

جوامع میزبان و کشورهای همسایه تهدیدی خطرناک نباشد، حداقل باید یک محرک مهم و منبع بی‌ثباتی به شمار آورد (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۸۵). در کتاب «تغییر و تداوم در غرب آسیا» مجموعه‌ای از مقالات که توسط ام. ای احراری گردآوری شده است. احراری بر این باور است که منازعات منطقه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. منازعات بخش اول عبارت از منازعاتی است که به نظر می‌رسد ادامه خواهند یافت و در برابر ارائه راه‌حل مقاومت می‌کنند یا اینکه به دلیل واقع‌گرایی سیاسی حل نشده‌اند. منازعه اعراب و اسرائیل و مسئله کردها در این مقوله قرار داده شده است. منازعات بخش دوم منازعاتی هستند که ریشه‌های عمیق‌تر دارند و حل آنها در حال حاضر متصور نیست و حتی ممکن است هیچ وقت حل نشوند. نقش ایران در خلیج فارس و دیگر مناطق غرب آسیا، نقش اسلام در محیط پساچنگ سرد و دموکراسی در مقابل اسلام، منازعاتی هستند که در این بخش قرار داده شده‌اند. منازعات بخش سوم عبارت از منازعاتی هستند که جدید بوده و ثبات منطقه را تهدید می‌کنند. آینده امنیت خلیج فارس و مسابقه تسلیحاتی در این بخش قرار گرفته‌اند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۲۴۹). از نظر آمریکایی‌ها، تأثیر جهانی سازی نظام سرمایه‌داری بر غرب آسیا، شکل‌گیری یک محیط منطقه‌ای جدید با شرایط خاص خود است. از نظر آنها غرب آسیا یک مورد استثنایی جهان است که همواره از تحولات شگرف جهانی به دور و از نوعی مصونیت ناشی از ضعف دموکراتیک برخوردار بوده است. با تمام تلاش‌های به عمل آمده، غرب آسیا امروز فاقد ساز و کارهای امنیتی و تعادلی منطقی برای ثبات است و محیط امنیتی این منطقه در مقایسه با سه منطقه اصلی دیگر در نظام بین‌المللی پیچیده‌تر و مبهم‌تر است.

یکی از چالش‌های دیگر در این مجموعه را می‌توان افزایش تکرر و پیچیدگی سیستمی در محیط و بازیگران پیرامونی دانست. ساختارهای منطقه‌ای غرب آسیا از لحاظ بازیگران تأثیرگذار، به سمت تکرر و پیچیدگی در حال حرکت است، به طوری که علاوه بر دولت - ملت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی جهانی، سازمان‌های امنیتی فرامنطقه‌ای و سازمان‌های مسلحانه فرقه‌ای نیز در حال افزایش اثرگذاری بر فرایندها و پویای حاکم بر غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران هستند. از منظر رویکرد امنیت ملی، شناسایی و طبقه‌بندی این گروه‌ها مهم بوده و لازم است با ارزیابی توزیع پراکندگی، اهداف، ابزارها و شیوه‌های مبارزاتی این گروه‌ها، نسبت به تبیین راهبرد منسجم و کارآمد که برآمده از انسجام فکری - رویه‌ای کارگزاران نظام و

اندیشمندان حوزه عملیات روانی باشد تلاش کنند. برخی از گروه‌های وهابی و سلفی با سازماندهی تشکل‌های سیاسی - نظامی سلفی به صورت مستقیم در «ترتیبات امنیتی منطقه‌ای» وارد شده‌اند که بیشتر از ابزار و شیوه‌های مبارزاتی غیرقانونی مانند عملیات‌های انتحاری، بمب گذاری، گروگان‌گیری، قتل، سر بریدن و پخش آن در اینترنت استفاده می‌کنند و حتی در برخی مواقع با مدیریت برخی اقدام‌های تروریستی مانند سازماندهی حوادث ۱۱ سپتامبر باعث شکل‌گیری گفتمان‌های جدیدی در نظام بین‌الملل مانند گفتمان جنگ با تروریسم شده‌اند و زمینه حضور قدرت‌های برون سیستمی در مجاورت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده‌اند (دل‌اورپور، ۱۳۸۸: ۲۶).

### مجموعه امنیتی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به دلیل دارا بودن حدود دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان و موقعیت ژئوپلیتیک آن دارای اهمیت بین‌المللی بالایی است و این مسئله حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را افزایش داده است. بعد از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ حضور نظامی آمریکا در منطقه افزایش یافت و قراردادهای امنیتی دو جانبه آمریکا با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس این حضور را تقویت کرد. این منطقه با اینکه مشابهت‌هایی با غرب آسیا دارد، ویژگی‌های متمایزی نیز می‌توان برای آن برشمرد. ساختار سیاسی کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس را خانواده‌های قبیله‌ای مشخصی در انحصار دارند. از منظر وضعیت اجتماعی، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در اغلب موارد از جمله بومی نبودن نیروی کار، نامتجانس بودن مردم، شکاف میان طبقات اجتماعی و ایفای نقش اصلی توسط طبقات بالا و اشراف در زمینه‌های مختلف، نابرابری مرد و زن و فقدان موقعیت اجتماعی و سیاسی برای زنان، فقر دمکراسی، وابستگی حاکمیت‌ها به قدرت‌های خارجی (فرامنطقه‌ای) و بحران مشارکت مشابه یکدیگر هستند (زند، ۱۳۸۷: ۱۶). به طور مشخص، این مجموعه متشکل از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup> است. GCC در سال ۱۹۸۱ با عضویت عربستان، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات، تشکیل شد و در حال حاضر با اهداف توسعه همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی فعالیت می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که اعضای شورا، امنیت خود را بیشتر در خارج از مرزهای منطقه‌ای دنبال کرده‌اند. به

1. PGCC

عنوان مثال، کویت در سال ۲۰۰۲ قرارداد دفاعی خود را برای دومین بار با آمریکا تمدید کرد. امارات با بریتانیا و قطر نیز با ایالات متحده آمریکا قرارداد دفاعی امضا کرده‌اند. به این ترتیب، نوعی ناهمگونی در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به چشم می‌خورد که خود راه را برای رسیدن به نظام دفاعی و امنیت دسته‌جمعی، پرفراز و نشیب ساخته است. ایران به عنوان کشور مهم منطقه خلیج فارس نقش مهمی در تأمین امنیت آن دارد. تاثیر تاریخی و اهمیت حضور نظامی ایران در خلیج فارس را نمی‌توان انکار کرد. این تاثیر تاریخی در دوران جنگ هشت‌ساله، جنگ اول خلیج فارس و جنگ کویت، جنگ دوم خلیج فارس به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

سهم انکار ناپذیر در تجارت و بازرگانی کشورهای حاشیه خلیج فارس، ورود ایران به مجموعه امنیتی منطقه‌ای خلیج فارس را به سمت ایجاد یک نهاد قدرتمند سوق می‌دهد. ساز و کار تأمین امنیت منطقه به گونه‌ای است که بدون حضور یک عضو از اعضا، نمی‌توان کارایی و کارآمدی آن را تضمین کرد. چالش‌های امنیتی و توسعه منطقه به گونه‌ای است که در صورت وقوع و تهدید امنیت یک کشور، امنیت سایر کشورها نیز در معرض آسیب و بحران قرار می‌گیرد. لزوم همکاری‌های مشترک دفاعی و ارتقای این همکاری‌ها و ایجاد سپر دفاعی مشترک در برابر عوامل تهدید خارجی مهم‌ترین هدف از همکاری امنیتی ایران با شورای همکاری خلیج فارس است. با این حال، به دلیل محدودیت‌های ناشی از نوع نگرش کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به امنیت و نگاه آن‌ها به سوی غرب و به ویژه آمریکا، تحقق نظام دفاع دسته‌جمعی چالش‌های بیمارگونه‌ای را پیش رو دارد. علاوه بر این عنصر ناسیونالیسم عربی و اختلافات ارضی ایران با امارات بر سر جزایر و موضع‌گیری قاطع اعراب در قبال ایران، دوستی و پیوند ایران با این مجموعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (شاه‌کرمی، ۱۳۸۸). علاوه بر این برخی از مهمترین کارکردهای کلی منطقه خلیج فارس که بر اهمیت و راهبردی بودن آن افزوده است، می‌توان به کارکرد اقتصادی (منبع تولید انرژی فسیلی در جهان)، کارکرد ترانزیت (حمل و نقل بخش اعظم انرژی مورد تقاضای جهان)، کارکرد فرهنگی (کانون تولید و نشر اندیشه‌های اسلامی به دنیا) اشاره نمود. ایران در پیشبرد رویکرد امنیتی خود در خلیج فارس و کسب همکاری و مشارکت کشورهای عربی برای ایجاد نظام امنیتی مشارکتی با موانعی روبه روست که محصول روندهای تاریخی و همچنین تحولات جدید منطقه‌ای است. بی‌اعتمادی کامل ایران

و کشورهای عربی به یکدیگر، وجود برخی اختلافات سیاسی، حضور آمریکا در خلیج فارس، فروپاشی رژیم صدام در عراق و رویکرد ایران به عراق جدید، تحولات منطقه‌ای در سال‌های اخیر که به افزایش نفوذ و قدرت ایران و به تبع آن، تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران منجر شده و سرانجام تردیدها و بدفهمی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران از مهم‌ترین موانع محسوب می‌شوند (واعظی، ۱۳۸۷).

### مجموعه امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز

فروپاشی نظام کمونیستی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، تعریف جدیدی از محیط امنیتی پیرامونی ایران در این منطقه ارائه داده است. به لحاظ سابقه تشکیل نظام‌های دفاعی - امنیتی در این منطقه، وجود سازمان گوام، سازمان همکاری شانگهای با عضویت چین و سازمان همکاری امنیتی مشترک، بیانگر اهمیت نیاز به نظام دفاعی مشترک در این منطقه است. سازمان گوام متشکل از چهار کشور گرجستان، مولداوی، آذربایجان و اوکراین است. یکی از اهداف سازمان تبادل فناوری‌های نظامی، همکاری امنیتی و کمک به توسعه نظام‌های تسلیحاتی اعضا آورده شده است.

به هر حال آسیای مرکزی منطقه وسیعی است که در میان پژوهشگران توافقی درباره محدوده‌های آن وجود ندارد. اما بیشتر منابع، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان را کشورهای واقع در این محدوده می‌دانند. از نظر تاریخی این منطقه در حوزه تمدنی ایران واقع شده است. قفقاز جنوبی از طریق دریای خزر در مجاورت آسیای مرکزی و نیز اروپا، روسیه و غرب آسیا قرار گرفته است و سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هم در این منطقه واقع شده‌اند. هر سه کشور با منازعات و درگیری‌های قومی روبرو هستند. موضوعات مبارزه با تروریسم، اسلام سیاسی، مبارزه با مواد مخدر، جرایم سازمان یافته، تقسیم دریای خزر، انرژی و خطوط لوله نفت و گاز و بی‌ثباتی داخلی کشورها از موارد مهم محیط امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی است (زندی، ۱۳۸۷: ۱۸). سازمان شانگهای به ابتکار چین و روسیه و با عضویت تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان و با هدف پاسخگویی به نیازهای امنیتی این کشورها تشکیل گردید. سازمان شانگهای اهداف گسترده‌ای چون مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت کشورهای عضو را دنبال می‌کند. با چنین نگرش مبسوط در قبال قضیه تأمین امنیت، نزدیکی جمهوری‌ها به یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. اختلافات مرزی و ارضی بازمانده از زمان

شوروی کمونیستی، لزوم تقویت یک ائتلاف منطقه‌ای امنیتی در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز را تقویت می‌کند. یک مسئله حضور نظامیان خارجی در آسیای مرکزی است. حضور سنگین نظامیان غرب - اروپا، آمریکا - نوعی صف‌آرایی نظامی را در میان جمهوری‌ها به وجود آورده که در قالب رزمایش‌های نظامی، پیمان‌نامه‌های همکاری نظامی و در نهایت تشکیل سازمان‌های دفاعی - امنیتی نمود یافته است. تحول در آیین نظامی روسیه و تلاش مسکو برای حفظ و تقویت نفوذ نظامی خود، بر اهمیت توانمندی نظام دفاع امنیتی مشترک در منطقه صحنه می‌گذارد. قرار داشتن دو حوزه مهم انرژی جهان - نفت و گاز - در پاره‌ای از این جمهوری‌ها و لزوم تأمین امنیت خطوط لوله نفت و گاز و میسر عبور آنها، توسعه فعالیت‌های اقتصادی مشترک را در گرو تأمین امنیت منطقه‌ای قرار داده است. استقرار موشک‌های آمریکا در چک و لهستان و تلاش‌های وافر ناتو، تحرک بیشتری در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز برای تقویت نظام دفاع دسته‌جمعی به وجود آورده است. با این وسعت موضوعی و مفهومی، ج.ا.ایران نیز به دلیل دارا بودن مرزهای وسیع با آسیای مرکزی و همسایگی با جمهوری‌های ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان و نیز دارا بودن ساحل مشترک با روسیه و برخی از کشورهای منطقه، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با منطقه مزبور پیدا می‌کند. این ارتباط را از آن جهت می‌توان مهم تلقی کرد که ایران در میان دو منطقه مهم ژئوپلیتیک جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر دارد و از طرفین، بین افغانستان و عراق به عنوان دو کشور بحران‌خیز واقع شده است. حضور در این گروه منطقه‌ای، برای ایران به منزله تنظیم روابط متعادل میان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تلقی می‌شود. به لحاظ آنکه ایران، کشوری تعیین‌کننده در منطقه است، عضویت این کشور در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز، تعامل دو و چندجانبه میان ایران و جمهوری‌ها ایجاد می‌کند که می‌تواند فراتر از اهداف امنیتی و دفاعی دنبال شود. قرابت فرهنگی و پیشینه تاریخی ایران با کشورهای آسیای مرکزی بر ابعاد این مناسبات می‌افزاید و حوزه مفهومی امنیت را گسترش می‌دهد. علاوه بر این منافع ایران در آسیای مرکزی، با حضور نظامیان ناتو و آمریکا در جمهوری‌ها، در معرض خدشه و تهدید قرار دارد. به طور کلی عوامل زیر ایران را به محیط امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز پیوند می‌دهد:

۱- شرایط امنیتی دریای خزر؛

۲- عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز؛

۳- نظام‌های سکولار و غرب‌گرا و تلاش آن‌ها برای مهار اسلام‌گرایی در منطقه؛

۴- ارتباط و پیوند فرهنگی - تاریخی؛

۵- حضور نظامیان ناتو در منطقه و تلاش برای خنثی کردن ابعاد منفی این حضور بر تأمین امنیت؛

۶- جلوگیری از تضعیف موقعیت ایران در تحولات منطقه‌ای؛

۷- مشارکت در پیمان‌های نظامی منطقه.

سیاست روسیه در ایجاد پیمان‌های امنیتی - نظامی با دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز، بیانگر اهمیت منطقه به لحاظ راهبردی و امنیتی است. عضویت ایران در اردوگاه امنیتی جمهوری‌های آسیای مرکزی، این کشورها را در منطقه امن ایران قرار خواهد داد. از سوی دیگر، این تعاملات سازنده موجب مهار نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه می‌شود که خود در تأمین ثبات و امنیت ایران تاثیر به سزایی خواهد داشت. اقتدار جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، قدرت مداخله‌گر آمریکا و رژیم صهیونیستی را مهار می‌کند و باعث قطع مداخله آنها می‌گردد. بر این مبنا، تعامل نزدیک و به هم پیوسته ایران با آسیای مرکزی و قفقاز، به منزله بسترسازی برای ایجاد محیطی امن و آرام و هم‌جواری با منطقه باثبات پیرامونی خواهد بود. علاوه بر این، عضویت در این مجموعه باعث کاهش فضای نظامی‌گری منبعث از حضور نظامیان خارجی در آسیای مرکزی خواهد شد (شاه کرمی، ۱۳۸۸).

#### مجموعه امنیتی شرق

منظور از مجموعه امنیتی منطقه شرق کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و ازبکستان است. این کشورها در شکل یک زنجیره تسلسل‌گونه حوزه جنوب شرق آسیا را به آسیای مرکزی مرتبط می‌کنند. در حوزه آسیای غربی پاکستان و افغانستان هستند که دارای ویژگی خاصی هستند که آنها را به دولت‌های ورشکسته تبدیل نموده است به گونه‌ای که حکومت افغانستان فراتر از کابل وجود عینی و مشخصی ندارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: وجود خودکامگی در عرصه سیاسی و اجتماعی و در عین حال ضعف شدید زیر ساخت‌های اقتصادی و صنعتی، فقدان کار ویژه استخراجی در نظام سیاسی به واسطه اقتدارگرایی و در نتیجه بروز اشکال متعدد اجبار و زور عیان، فقدان مشروعیت سیاسی نظام سیاسی، فقدان مسئولیت‌پذیری و عمل متقابل، وجود بی‌اعتمادی سیاسی و سو ظن و درگیری‌های قومی و مذهبی.

مهم‌ترین موضوعات امنیتی این منطقه، مواد مخدر، تروریسم و سلفی‌گری است. (زندى، ۱۳۸۷: ۱۹) در این مجموعه ویژگی‌های زیر به چشم می‌خورد:

۱- جغرافیای بسیط مشترک: در این مجموعه، کشورهای عضو در حوزه ژئوپلیتیک سیاسی قرار دارند که از چهارسو با چهار منطقه مهم جهان در ارتباط است. از جنوب با حوزه جنوب و جنوب شرق آسیا و شبه قاره هند، از شمال و شمال شرق با حوزه آسیای مرکزی از شرق با شرق آسیا و از غرب با غرب آسیا. این ژئوپلیتیک بسیط و حساس، اعضای مجموعه را در تعامل و ارتباط در خور توجهی قرار داده است.

۲- ترانزیت: ترانزیت به معنای معبر عبور کالا و کاروان‌ها، این چهار کشور را در معرض، ایجاد یک پل ارتباطی مشترک قرار داده است. عبور قانونی یا غیرقانونی کاروان‌های تجاری یا حمل اسلحه و مواد مخدر، اعضای مجموعه را نیازمند وضع قوانین ترانزیتی ساخته و در نتیجه، عنصر حفظ امنیت مرزها را پررنگ‌تر می‌نماید.

۳- مرزهای آسیب‌پذیر: مجموعه امنیتی شرق از آسیب‌پذیری نسبتاً بالای سرحدات برخوردار است. در این مجموعه، سرحدات به دلیل واقع شدن در شاهراه‌های اساسی ارتباطی میان نقاط مختلف جهان، به شدت در معرض تهدیدات خارجی و تعرضات قرار دارند و از این رو تهدید امنیت هر عضو، امنیت سایر اعضا را به مخاطره می‌اندازد.

در این مجموعه امنیتی، ایران به دلیل همسایگی با دو کشور افغانستان و پاکستان و واقع شدن در نقطه اتصال مجموعه با سایر اعضا جایگاه ویژه‌ای دارد. در هر سه مورد ایران، از تعیین‌کنندگی بسزایی برخوردار است و با توجه به قرابت فرهنگی که با هر چهار کشور دارد، می‌تواند به مثابه پاشنه آشیل مجموعه مزبور عمل کند. ایران به دلیل آنکه به آب‌های آزاد دسترسی دارد، حوزه‌های نفتی سرشار در اختیار دارد و از قدرت نظامی- فناوری برتر تسلیحاتی برخوردار است، عضو مهمی در این مجموعه خواهد بود. در تحلیل امکان‌سنجی حضور ایران در مجموعه امنیتی شرق باید گفت که در این مجموعه ایران منافع و تهدیدات مشترک شایان توجهی با اعضا داشته و از این رو بازیگر و عنصر فعال آن خواهد بود. به خصوص آنکه حفظ امنیت مرزهای شرقی با توجه به گسترش تهدیدات روزافزون وارده از جانب فعالان بین‌المللی حمل سلاح و مواد مخدر چشمگیر است (شاه‌کرمی، ۱۳۸۸) اثرات منفی ناشی از بروز تنش‌ها و بی‌ثباتی‌ها در میان کشورهای شرقی، همواره بر ایران مترتب شده و نگرانی‌های

امنیتی در شرق را به یکی از معضلات اصلی ایران مبدل ساخته است. معضلات جمهوری اسلامی ایران را که توأمان از ناحیه شرق بر این کشور وارد می‌شود، این گونه می‌توان برشمرد: بی‌ثباتی سیاسی همسایگان شرقی و شکل‌گیری دولت‌های ضعیف و ورشکسته؛ تقویت جریان افراطی سلفی؛ حضور نیروهای بیگانه در منطقه و نبود ثبات لازم در کشورهای افغانستان و پاکستان ریشه در عوامل متعدد ساختاری و سابقه مداخلات بیگانه در این کشورها دارد. در افغانستان، دولت تنها بر بخش‌های محدودی از کشور احاطه دارد و نیروهای نظامی طالبان دوباره در حال گسترش مناطق تحت نفوذ خود هستند. در افغانستان نبود دولت مقتدر و مسلط و وجود مشکلات اقتصادی فراوان، تولید مواد مخدر را از ۲ هزار تن به بیش از ۱۰ هزار تن افزایش داده است. همچنین ترانزیت مواد مخدر و روند مهاجرت به شدت افزایش پیدا کرده و تمام این مشکلات می‌تواند به ایران به عنوان همسایه بزرگ افغانستان سرایت کند که علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، پیامدهای منفی امنیتی مهمی نیز برای ایران همراه آورده است. همچنین حضور نظامی نیروهای بیگانه که پس از سرنگونی طالبان توسط نیروهای آمریکایی، این نیروها در مناطق مختلفی از افغانستان حضور پیدا کردند و دست به احداث پایگاه‌های متعددی از سوی آمریکا و ناتو زدند که این امر، فی‌نفسه برای ایران تهدید محسوب می‌شود و ایران را در تیررس دشمنان منافع ملی این کشور قرار می‌دهد. (همان) رویکرد ایران در مرزهای شرقی خود، رویکرد مشارکت جویانه و صلح طلبانه است و ایران با تمام توان خود برای برقراری ثبات و صلح در ۲ کشور افغانستان و پاکستان که دارای معضلات متعددی هستند، تلاش می‌کند زیرا مشکلات ناشی از ناآرامی در این کشورها به سرعت به منطقه و به ایران سرایت می‌کند که این امر به هیچ عنوان در راستای منافع ملی ایران نیست (واعظی، ۱۳۸۷).

#### رویکرد امنیتی ایران در محیط امنیتی پیرامونی

رویکرد ایران در محیط پیرامونی خود بر اساس الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار دارد. در این رویکرد، مشارکت جدی تمامی کشورهای منطقه در سازمان دهی ساختار امنیتی منطقه‌ای و همکاری مؤثر در این باره در اولویت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، حضور مداوم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیت منطقه‌ای نفی و این حضور عامل عمده‌ای در جهت افزایش تعارضات و تنش‌ها در سطح منطقه تلقی می‌شود. رویکرد امنیتی ایران با توجه به تحولات و تجارب سال‌های اخیر در منطقه دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که در صورت

توجه و اهتمام منطقه‌ای می‌تواند به شکل‌گیری نظامی امنیتی و پایدار منجر شود. اولین مؤلفه این رویکرد کاهش حضور نظامی قدرت‌های منطقه‌ای است که باعث تشدید افراط‌گرایی و تروریسم و تخریب همکاری و روابط طبیعی کشورهای منطقه شده است. دومین مؤلفه همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای در ساختار امنیتی، به ویژه هم‌فکری و همکاری کشورهای بزرگ‌تر مانند ایران، ترکیه و عربستان سعودی در حل و فصل چالش‌های مشترک نظیر تروریسم و مدیریت الگوهای تعاملاتی گروه‌های قومی - مذهبی فروملی با واحدهای ملی است. در این راستا، مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم باید با سیاست‌های مکمل دیگری همراه باشد که از یک سو بتواند قدرت کنترل و مدیریت دولت‌های مرکزی را حفظ کند و از سوی دیگر با تعریف ساز و کارهایی برای مشارکت و فعالیت گروه‌های فروملی از رادیکال شدن گرایش‌های قومی - مذهبی جلوگیری کند. در این فرایند، همکاری منطقه‌ای تنها به واسطه اعتماد سازی گام به گام و ایجاد اطمینان متقابل میان کشورها و همچنین تلاش برای حل و فصل چالش‌هایی تحقق می‌یابد که محصول برخی تعارضات ساختاری چون مشکلات روند دولت - ملت سازی و ضعف فرهنگ و رویه‌های دموکراتیک است. جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد فوق در هر یک از حوزه‌های محیط پیرامونی خود در پی حل و فصل چالش‌های امنیتی با همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای است. هر چند نوع و ماهیت چالش‌های امنیتی در حوزه‌های مختلف دارای تفاوت‌هایی است اما با وجود این، عناصر و ویژگی‌های مشترکی در چالش‌های هر حوزه وجود دارد که با توجه به مؤلفه‌های رویکرد امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت، قابل حل و فصل به صورت تدریجی است (واعظی، ۱۳۸۷).

#### جمع بندی و پیشنهاد

بر اساس موارد فوق و با استنباط کیفی از داده‌های جمع آوری شده و بهره‌گیری از روش اقتباسی - استنتاجی، به طور کلی ایران در محیط امنیتی پیرامونی دارای چالش‌های متعددی است که برخی از مهمترین آنها به شرح زیر احصا می‌شود:

#### تهدید:

- حضور دولت‌های شکننده در محیط امنیتی پیرامونی ایران (افغانستان، پاکستان، و ...).
- وقوع جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و بین‌المللی در کشورهای منطقه.

- شیوع درگیرهای مذهبی و تروریسم بین‌الملل به خصوص در کشورهای عربستان، پاکستان، افغانستان.

- تجمع دولت‌های غیر دموکراتیک و در حال توسعه در منطقه.

- همسایگی با بزرگ‌ترین تولید کننده مواد مخدر جهان و مهم‌ترین مسیر ترانزیت مواد.

- موضوع فلسطین و رژیم اشغالگر قدس و موارد مرتبط با آن.

- تلاش نظام سلطه و رژیم صهیونیستی برای ضربه به مقاومت اسلامی از جمله هدایت نمودن وقایع سوریه در سال‌های اخیر.

**فرصت:**

- در اختیار داشتن موقعیت مرکزی و حلقه ارتباط ۵ حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا، خلیج فارس، شبه قاره، آسیای مرکزی و قفقاز.

- اهمیت راهبردی منطقه و محیط امنیتی ایران در حوزه انرژی (نفت و گاز).

**عوامل اثرگذار:**

- تعدد کشورهای همسایه، به طوری که ایران بعد از روسیه و در کنار چین با ۱۵ همسایه دارای بیش‌ترین تعداد همسایه در جهان می‌باشد.

ملاحظه خصایص بالا آشکار می‌کند که ج.ا.ایران در یک محیط امنیتی واقعاً پیچیده قرار دارد که در هر مجموعه و حتی با هر کشور عضو در هر مجموعه، به گونه خاصی از مناسبات و تعاملات نیازمند است. این منطقه از حساسیت و آسیب‌پذیری بالایی برخوردار است و این نکته ایران را به سمت وسوی ایجاد پیوندهای محکم دیپلماتیک با کشورهای منطقه، ملزم می‌سازد. از این‌رو کمک به شکل‌گیری دولت‌های قدرتمند و توانمند برای مدیریت منازعات و بی‌ثباتی‌های درونی، افزایش همکاری و مشارکت بین دولت‌های منطقه و شفاف‌سازی و تبادل اطلاعات که می‌تواند به بهبود امنیت منطقه منجر شود و محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام امنیتی منطقه به منظور کمک به ایجاد نظام امنیتی بومی، ریشه‌یابی و مهار تنش‌های فرقه‌ای در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، انعقاد توافقات امنیتی دوجانبه با کشورهای منطقه، گسترش کاربست فناوری‌های نوین در شناسایی عوامل تروریستی و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف ضد عملیات روانی دارای اهمیت اساسی است.

## منابع

۱. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۷). **تحلیل محیط امنیتی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. امیر شاه کرمی، مریم. (۱۳۸۸). **ریخت‌شناسی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران**، قابل دسترس در: <http://www.tabnak.ir>
۳. حاجی یوسفی، امیر محمد. (تابستان و پاییز ۱۳۸۲). «محیط دگرگون شونده ایران پس از پایان نظام بین‌الملل دو قطبی»، **فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۲۵۴-۲۵۳، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. حسینی تاش، سیدعلی و شعبانی، محمد رضا. (خرداد ۱۳۸۷). «شاخص‌های محیط امنیتی در محیط بین‌الملل»، **ماهنامه نگرش راهبردی**، شماره ۹۱، صص ۳۹-۶۶، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۵. دلاورپور اقدم، مصطفی. (خرداد ۱۳۸۸). «آسیب شناسی آرایش سازمان القاعده در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **هفته‌نامه پگاه حوزه**، شماره ۲۵۵، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶. گروه مطالعات و تحقیقات راهبردی. (۱۳۸۸). **روش شناسی محیط امنیتی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. عساریان نژاد، حسین و نادى، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی»، **فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک**، سال دهم، شماره ۴۰، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. عساریان نژاد، حسین و ترقی، علیرضا. (۱۳۸۷). «بعد شناسی محیطی امنیتی»، **نگرش راهبردی**، سال نهم، شماره ۹۱.
۹. عساریان نژاد، حسین. (۱۳۸۸). **مطالب درسی روش شناسی محیط امنیتی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۰. غرایاق زندی، داود. (۱۳۸۷). **محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. مینایی، مهدی. (تابستان ۱۳۸۲). «محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی»، **فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره ۶، صص ۱۰۳-۱۱۰، تهران: فجر اسلام.
۱۲. واعظی، محمود. (۱۳۸۷). **رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی**، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل دسترس در: <http://www.aftabir.com>
۱۳. یوسف نژاد، ابراهیم. (پاییز ۱۳۸۱). «روابط ایران و لیبی؛ فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، **مجله مجلس و پژوهش**، شماره ۳۵، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی.